

Assessment of Marital Satisfaction Among Rural Women (Case Study: Garmab Village, Firouzeh County)¹

Zahra Karimi

MA Student in Social Research, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Hossein Ghodrati ²

Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Hakim Sabzevari University,
Sabzevar, Iran

Shafieh Ghodrati

Associate Professor of Demography, Department of Sociology, Hakim Sabzevari University,
Sabzevar, Iran

Received: 7 September 2025 Revised: 4 February 2026 Accepted: 7 February 2026

Abstract

Family, as the core social unit, requires special attention and broad support to effectively fulfill its social responsibilities. In this regard, marital satisfaction plays a crucial role in life. Marital satisfaction can be defined as the subjective feeling of contentment, satisfaction, and pleasure experienced by spouses when they evaluate various aspects of their marriage. It emanates from the alignment between an individual's expectations and their actual situation within the marital relationship. It basically reflects the positive and gratifying spousal attitudes toward different dimensions of their union. The present study aims to assess the impact of socioeconomic factors on marital satisfaction among women. The statistical population consists of married women in the village of Garmab, located in Firouzeh County. Data were

1. This article is an excerpt from the first author's master's thesis in Social Sciences titled "Investigating social and economic factors related to women's marital satisfaction with an emphasis on early marriages" at Hakim Sabzevari University.

2. Corresponding author. Email: h.ghodrati@hsu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Karimi, Z., Ghodrati, H. and Ghodrati, S. (2026). Assessment of Marital Satisfaction Among Rural Women (Case Study: Garmab Village, Firouzeh County). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(4), 195-226. Doi: 10.22067/social.2026.89296.1545

collected using a standard questionnaire administered to 255 women aged 11 to 45 who had married before the age of 18. A multistage cluster sampling method was employed. The findings suggest that the variables of age at marriage, education, husband's education, mother's education, social trust, gender equality, religious orientation, marital relationship quality, and attitudes toward leisure are positively and significantly linked to the dependent variable. In contrast, husband's age, financial disharmony, spousal age difference, duration of marriage, spousal educational disparity, authoritarian conflict-resolution style, and interference by other people in marriage exhibit a significant negative relationship with marital satisfaction. The results of linear regression analysis indicate that the quality of marital relationship, attitudes toward leisure, gender equality, religious orientation, financial agreement, and duration of marriage wield influence on women's marital satisfaction. It is recommended that policymakers place particular emphasis on variables such as relationship quality, gender equality, and leisure patterns to address this issue.

Keywords: Marriage, Marital satisfaction, Eural women, Garmab.

بررسی میزان رضایت زناشویی زنان روستایی مورد مطالعه: روستای گرماب شهرستان فیروزه^۱

زهره کریمی (دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
zahra.karimi689@gmail.com

حسین قدرتی  (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)
h.ghodrati@hsu.ac.ir

شفیعه قدرتی (دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
sh.ghodrati@hsu.ac.ir

چکیده

خانواده واحد اصلی اجتماع است و در نتیجه به توجه ویژه‌ای نیاز دارد، از این رو می‌بایست از گسترده‌ترین حمایت و یاری‌های ممکن برخوردار باشد تا پذیرای کامل مسئولیت‌های خود در جامعه باشد. در این میان رضایت از زندگی زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی است. رضایت زناشویی را می‌توان احساس عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن و شوهر دانست، زمانی که تمام جوانب ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت زناشویی از انطباق بین وضعیتی که مورد انتظار است و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی حاصل می‌شود و درواقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند. هدف از پژوهش حاضر، سنجش میزان تأثیر عوامل اجتماعی اقتصادی در رضایت زناشویی زنان است. جامعه آماری زنان متأهل روستای گرماب شهرستان فیروزه است. داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد از زنان ۱۱ تا ۴۵ ساله روستای گرماب که سابقه ازدواج در سن زیر ۱۸ سالگی را داشتند،

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی نویسنده اول مقاله با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مرتبط با میزان رضایت زناشویی زنان با تأکید بر ازدواج‌های زودهنگام» در دانشگاه حکیم سبزواری است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۴، صص ۲۲۶-۱۹۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با حجم ۲۵۵ مورد گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای سن ازدواج، تحصیلات، تحصیلات همسر، تحصیلات مادر، اعتماد اجتماعی، برابری جنسیتی، جهت‌گیری مذهبی، کیفیت رابطه زناشویی و نگرش به اوقات فراغت، با متغیر وابسته معنادار و مستقیم، و رابطه متغیرهای سن همسر، عدم توافق مالی، تفاوت سنی، طول مدت ازدواج، اختلاف سطح تحصیلات زوجین، شیوه حل تعارض استبدادی و دخالت اطرافیان، با رضایت زناشویی معنادار و معکوس است. یافته‌های رگرسیون خطی حاکی از این است که کیفیت رابطه زناشویی، نگرش به اوقات فراغت، برابری جنسیتی، جهت‌گیری مذهبی، توافق مالی و طول مدت ازدواج از عواملی هستند که مستقیماً بر میزان رضایت زناشویی زنان تأثیرگذارند. توصیه می‌شود سیاستگذاران برای مدیریت این مسئله به متغیرهای کیفیت روابط زناشویی، برابری جنسیتی و اوقات فراغت توجه ویژه‌ای داشته باشند.

واژگان کلیدی: ازدواج، رضایت زناشویی، روستایی، گرماب.

۱. مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یک امر مدنی است که در تمام جوامع و در طول تاریخ بشر وجود داشته است و به مجموعه‌ای از نیازهای اساسی انسان پاسخ می‌گوید. خانواده باید منشأ محبت و منبع اعتماد به نفس اعضای آن باشد. در غیر این صورت موفقیت‌ها کمتر اتفاق می‌افتد و یا ممکن است به مرحله ظهور نرسد. به نظر می‌رسد برای تداوم پیوند ازدواج، صمیمیت زناشویی امری ضروری باشد (شهرویی و همکاران، ۱۴۰۲). درواقع صمیمیت یک عامل کلیدی در رضایت از ازدواج، کیفیت ازدواج، ثبات ازدواج و عملکرد ازدواج است. برای داشتن رابطه سالم، صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردار است (حسن‌طهرانی و همکاران، ۱۴۰۰).

زوج‌های سالم، خانواده‌های سالم را می‌سازند و خانواده‌های سالم، جامعه سالم را. پس برای داشتن جامعه‌ای سالم باید به سلامت نخستین واحد اجتماع، یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. یکی

از عوامل تعیین‌کننده سلامت خانواده، رضایت زناشویی^۱ است. استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی هرگونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی و عدم وجود یک زوج موفق، علاوه بر آنکه آرامش روانی زوجها را مختل می‌کند، بقاء و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (مظاهری، ۱۳۷۹). خانواده واحد اصلی اجتماع است و در نتیجه به توجه ویژه‌ای نیاز دارد، ازاین‌رو می‌بایست از گسترده‌ترین حمایت و یاری‌های ممکن برخوردار باشد تا پذیرای کامل مسئولیت‌های خود در جامعه باشد. در این میان رضایت از زندگی زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی است. در صورت وجود آن در زندگی و خانواده باعث می‌شود زوجین آرامش را در زندگی تجربه کنند و در سایه رضایت آنها، فرزندان نیز در خانواده به‌خوبی تربیت می‌شوند و آثار آن نمود پیدا می‌کند. نبود رضایتمندی باعث مشکلات و اختلافات زیادی در بسیاری از زمینه‌ها می‌شود، حتی در بعضی موارد زوجین را تا پای میز طلاق هم می‌کشاند که عواقب نامطلوب آن بر کسی پوشیده نیست (خضری و سیاهپوش، ۱۳۹۹، ص. ۲). رضایت زناشویی را می‌توان احساس عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن و شوهر دانست، زمانی که تمام جوانب ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت زناشویی از انطباق بین وضعیتی که مورد انتظار است و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی حاصل می‌شود و درواقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (پورمیدانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۳۳۳). رضایت زناشویی باعث افزایش طول عمر و سلامت جسمانی و روانی بین زوجین می‌شود. علاوه بر تأثیر جسمانی و روان‌شناختی رضایتمندی و نارضایتمندی زناشویی در فرد، تحقیقات بسیاری از تأثیرات مثبت و منفی رضایت و نارضایتی زناشویی در فرزندان حکایت دارد. نارضایتی زوجین و ناسازگاری‌های خانوادگی و طلاق در رفتار و زندگی فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین رضایت زناشویی در میزان توسعه اقتصادی، رفاه،

رضایت از زندگی، مدیریت تعارض، مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله تأثیر دارد (حسین‌پور و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۶). از آنجا که رضایت زناشویی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده پایداری و ناپایداری یک رابطه باشد، توجه به این عامل در پژوهش‌های مربوط به خانواده بسیار ضروری است. این امر به‌ویژه در فرهنگ ایرانی-اسلامی مصداق دارد که اهمیت بالایی برای نهاد خانواده قائل است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۶۳).

یکی از موضوعاتی که در باب ازدواج نیازمند تحلیل و مذاقه است سن ازدواج است که دارای ابعاد حقوقی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و آموزشی است (ایمان‌زاده و علیپور، ۱۳۹۵، ص. ۳۳). در جوامع امروزی، ازدواج در سنین پایین می‌تواند مسائل و مشکلاتی را برای زوجین، فرزندان و خانواده در پی داشته باشد. معمولاً بیشترین آسیب در ازدواج با سن پایین متوجه زنان می‌شود تا مردان.

ازدواج زودهنگام یکی از عوامل اصلی طلاق افرادی است که در اوایل جوانی ازدواج می‌کنند. واقعیت این است که معمولاً ازدواج در سنین بیست و چند سالگی به بالا، از پایداری و دوام بیشتری برخوردار است و با توجه به مطالعات انجام‌شده، افرادی که ازدواج را تا ۲۵ سالگی به تأخیر می‌اندازند تا ۲۴ درصد کمتر با خطر طلاق روبه‌رو هستند (دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۴۰۰).

براساس آمار ازدواج‌های رسمی ثبت شده در مرکز آمار ایران، در بهار ۱۴۰۰، تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، با حدود ۳۲ درصد رشد در قیاس با آمار مشابه خود در سال ۱۳۹۹، به ۹۷۵۳ ازدواج رسیده است؛ مطابق با همین آمار، تعداد ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز در بهار سال ۱۴۰۰ ازدواج کرده‌اند (مجدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۹). طبق گزارش سازمان یونیسف (۲۰۲۲)، هر سال در جهان ۱۵ میلیون دختر در سن خردسالی ازدواج می‌کنند و حق سلامتی، آموزش، تحصیل و فرصت از آنها گرفته شده و کودکان دزدیده می‌شود و اگر کاری انجام نگیرد، تا سال ۲۰۳۰، هر سال ۱۵/۴ میلیون دختر خردسال ازدواج می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه، از هر ۹ دختر یکی

قبل از تولد ۱۵ سالگی اش ازدواج می‌کند و برخی عروس‌ها حداکثر ۸ یا ۹ سال دارند (شهریاری و باقری، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۹).

براساس گزارش یونسف (۲۰۲۰) نیز حدود ۱۷ درصد از ازدواج‌های انجام‌شده در ایران، مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بوده است. ۵ درصد این آمار مربوط به ازدواج‌های زیر ۱۵ سال و ۱۲ درصد مربوط به ازدواج‌های ۱۵ تا ۱۸ سال است (مجدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۹). بنا بر آنچه گفته شد توجه به سلامت و چگونگی فضای درون خانواده که در رضایت زوجین از زندگی تبلور می‌یابد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود. با توجه به اینکه غالباً مدیریت فضای درون خانه را زنان می‌سازند یا هدایت می‌کنند و یا عهده‌دار هستند، لذا رضایت زنان از زندگی مشترک، تأثیر چشمگیری در چگونگی فضای سالم خانواده خواهد داشت (منادی، ۱۳۸۳، ص. ۷). طبیعتاً سن ازدواج زنان می‌تواند بر این رضایت تأثیر چشمگیری داشته باشد. تحقیق حاضر به دنبال بررسی رضایت زناشویی است.

اهداف تحقیق حاضر به دو دسته هدف کلی و اهداف جزئی تقسیم می‌شود. هدف کلی این پژوهش شناخت عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و سنجش میزان تأثیر این عوامل در رضایت زناشویی ازدواج‌های زودهنگام است. اهداف جزئی پژوهش نیز عبارتند از: الف) بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای (سن، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد) با میزان رضایت زناشویی. ب) بررسی رابطه عوامل اقتصادی مؤثر با میزان رضایت زناشویی. ج) بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با میزان رضایت زناشویی. د) بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی افراد با میزان رضایت زناشویی.

۲. مبانی نظری پژوهش

با توجه به بحث رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته تحقیق، نظریات مرتبط با آن موضوع از جمله نظریه همسان همسری، نظریات مبادله، نظریات نوسازی و اعتماد اجتماعی و نظریه دورکیم بررسی می شود.

۱.۲. نظریه همسان همسری

طبق این نظریه سازگاری زناشویی زمانی حاصل می شود که زن و شوهر در ابعاد مختلف، کمترین فاصله و تقابل را داشته باشند؛ به عبارتی مشابهت ها و همسانی ها موافقت را به ارمغان می آورند (حسینی، ۱۳۶۷، ص. ۵۴). براساس نظریه همسان همسری، می توان استنباط کرد هر اندازه ویژگی های همسان زوجین بیشتر باشد، میزان رضایت زناشویی افزایش می یابد. از این نظریه متغیرهای اختلاف سطح تحصیلات، فاصله سنی زوجین، نگرش به اوقات فراغت گرفته شده است.

۲.۲. نظریه مبادله

طبق این نظریه هنگام ازدواج، هر چه میزان پاداش های ارزشمند برای شخص بیشتر باشد، احتمال پذیرش بیشتر همسر و ازدواج و رضایتمندی حاصل از آن بالاتر است. در زندگی زناشویی نیز رفع انتظارات و نیازها نظیر اظهار علاقه و محبت، مهم شمرده شدن، سازگاری داشتن در روابط جنسی، توجه کردن به فرایض دینی، اهمیت دادن به مسائل تربیتی فرزندان، مشورت کردن با همسر، آینده نگری در مسائل اقتصادی و نبود احساس بی عدالتی از سوی زوجین، سازگاری و رضایت زناشویی را به همراه خواهد داشت (آزادیان و فتحی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۷). از نظریه مبادله می توان استنباط کرد که افراد در هر رابطه ای هزینه ها و پاداش هایی که دریافت کرده را با هم قیاس می کنند و اگر انتظارات و نیازهایشان رفع شود و احساس بی عدالتی نکنند، احساس رضایت می کنند. از این نظریه متغیرهای برابری جنسیتی، نحوه حل تعارض، توافق در مسائل مالی، کیفیت رابطه جنسی گرفته شده است.

۳.۲. نظریه نوسازی

ویلیام گود با مطرح کردن ایده «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» معتقد است که فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی، موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوجها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است و زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیتهای خارج از خانه می‌یابند، ما باید انتظار تغییر الگوهای ازدواج را داشته باشیم (کنعانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۷). براساس نظریه نوسازی در دوران مدرنیته تحصیلات بالا، استفاده از رسانه‌های گروهی، فردمحوری، آگاهی زنان از حقوق خود در سبک زندگی افراد جامعه تغییراتی را ایجاد کرده و بر رضایت از زندگی زناشویی آنها تأثیرگذار است. از این نظریه متغیرهای میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و شیوه انتخاب همسر گرفته شده است.

۴.۲. نظریه اعتماد اجتماعی

از دیدگاه گیدنز ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت و خودمانی شدن دارد. پیوندهای شخصی در ارتباط ناب، مستلزم انواع جدیدی از اعتماد است که از خلال صمیمیت و خودمانی شدن با دیگری پدید می‌آید. نکته مهم در ساختن و پرداختن اعتماد در رابطه‌های ناب آن است که هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به‌طور منظم بعضی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند. مهم این است که شخص بتواند بر آنچه طرف مقابل او می‌گوید یا انجام می‌دهد، تکیه کند (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰-۱۴۱).

برطبق این نظریه وجود اعتماد در روابط بین افراد، منجر به تداوم ارتباط و احساس صمیمت در بین افراد می‌شود. از این نظریه متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی و میزان دخالت اطرافیان گرفته شده است.

۲.۵. نظریه دورکیم

به‌زعم دورکیم مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشند. شعائر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند. مشارکت در انجام شعائر و مناسک مذهبی چیزی بیشتر از حضور اعضا را به افراد القاء می‌نماید. دین با چنین کارکردهایی در اجتماع بر روابط خانوادگی، با ابعاد گوناگون زندگی زناشویی (انسجام و وابستگی درونی بین همسران، آرامش درون خانواده، امنیت عاطفی و ...) رابطه دارد (حاتمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶). از نظریه دورکیم می‌توان استنباط کرد هر اندازه میزان دین‌داری افراد بیشتر باشد، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. از این نظریه متغیر جهت‌گیری مذهبی گرفته شده است.

در این بخش از میان پژوهش‌های پیشین، آن‌دسته را که از نظر موضوعی، بیشتر به موضوع تحقیق حاضر نزدیکند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

براساس بسیاری از تحقیقات مانند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸؛ آزادیان و فتحی، ۱۳۹۶؛ صفیاری جعفرآباد و زارع، ۱۳۹۴؛ جمالویی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بنی‌فاطمه و تیمورلویی، ۱۳۸۸؛ و ویجیت‌مالا و همکاران، ۲۰۰۴) بین متغیرهای تحصیلات و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد. بعضی پژوهش‌ها مانند (ترقی‌جاه و همکاران، ۱۳۹۵؛ یزدانی و علمی، ۱۳۹۲؛ مهدوی و نسیمی، ۱۳۸۸؛ و بنی‌فاطمه و تیمورلویی، ۱۳۸۸) بر ارتباط متغیرهای جهت‌گیری مذهبی و رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند. پژوهش‌های دیگری بر رابطه میان سن و تفاوت سنی با رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند مانند (آزادیان و فتحی، ۱۳۹۶؛ مادنیان و شافق، ۲۰۱۳؛ صفیاری جعفرآباد و زارع، ۱۳۹۴؛ و بهاری، ۱۳۸۶). در بعضی

از تحقیقات ارتباط بین سبک همسرگزینی و رضایت زناشویی تأیید شده است مانند (اهوازی و همکاران، ۱۳۹۴؛ سحابی و همکاران، ۱۳۹۲) و در تعدادی از پژوهش‌ها رابطه بین درآمد و رضایت زناشویی معنادار شده است مانند (آزادیان و فتحی، ۱۳۹۶؛ خضری و سیاهپوش، ۱۳۹۳؛ رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲؛ و زاینه و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین میان متغیر میزان اعتماد و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار مشاهده شده است مانند (رفیعی‌اصل، ۱۳۸۹؛ اسماعیلیان‌اردستانی و قلی‌زاده، ۱۳۹۳؛ و مجدی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین در برخی مطالعات وجود رابطه میان عواملی همچون وضعیت اشتغال (خضری و سیاهپوش، ۱۳۹۳؛ اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲؛ و خسروی و همکاران، ۱۳۸۹)، برابری و تعادل قدرت در ساختار خانواده، نبود باورهای جنسیتی (خضری و سیاهپوش، ۱۳۹۳؛ بهمنی و همکاران، ۱۳۹۰؛ سامانی‌نژاد و گنجی، ۱۳۹۰؛ رفیعی‌اصل، ۱۳۸۹؛ مهدوی و نسیمی، ۱۳۸۸)، نحوه گذران اوقات فراغت (یزدانی و علمی، ۱۳۹۲) و متغیر وابسته رضایت زناشویی تأیید شده است. پژوهش‌هایی نیز از وجود رابطه میان طول مدت ازدواج (روزن-گراندد و همکاران، ۲۰۰۴؛ اورتینکال و وانستینوگن، ۲۰۰۷؛ مادنیان و شافق، ۲۰۱۳؛ ویجیتمالا و همکاران، ۲۰۰۴)، و تعداد فرزندان (اورتینکال و وانستینوگن، ۲۰۰۷؛ مادنیان و شافق، ۲۰۱۳؛ وندورف و همکاران، ۲۰۱۱؛ زاینه و همکاران، ۲۰۱۲) با رضایت زناشویی خبر داده‌اند. در سایر پژوهش‌ها روابطی میان متغیرهایی مثل جنسیت (روزن-گراندد و همکاران، ۲۰۰۴)، رضایت جنسی (گوا و هوانگ، ۲۰۰۵)، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ارزش‌های مشترک (روزن-گراندد و همکاران، ۲۰۰۴؛ ویسفلد و همکاران، ۱۹۹۲) و دین‌داری (لمبرت و دولاهت، ۲۰۰۶)، با رضایت زندگی زناشویی گزارش شده است.

با مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی، می‌توان نتیجه گرفت که رضایت زناشویی پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از شبکه پیچیده‌ای از عوامل جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این متغیر به‌صورت مستقل یا تعاملی تحت تأثیر طیف وسیعی از پیش‌بین‌ها قرار دارد که می‌توان آن‌ها را در چند دسته کلان دسته‌بندی نمود:

عوامل جمعیت‌شناختی و ساختاری:

شواهد پژوهشی همسو حاکی از ارتباط معنادار عواملی مانند سطح تحصیلات، سن و تفاوت سنی زوجین، درآمد، وضعیت اشتغال، طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان با رضایت زناشویی است. اگرچه جهت و شدت این روابط در همه مطالعات یکسان نبوده، اما به‌طور کلی نشان‌دهنده نقش بسترهای عینی و ساختاری در کیفیت رابطه زناشویی است.

عوامل روان‌شناختی - ارتباطی:

مؤلفه‌های ارتباطی و بین‌فردی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های رضایت زناشویی شناخته می‌شوند. در این حوزه، میزان اعتماد، برابری و تعادل قدرت در خانواده، نحوه گذران اوقات فراغت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و داشتن ارزش‌های مشترک، رضایت جنسی و سبک همسرگزینی (به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر انتظارات و انطباق‌پذیری) به‌طور مکرر برجستگی یافته‌اند.

عوامل فرهنگی - اعتقادی:

نقش عوامل معنوی و هنجاری به‌ویژه در بافت فرهنگی ایران پررنگ است. جهت‌گیری مذهبی و سطح دینداری، همراه با نبود باورهای جنسیتی کلیشه‌ای، به‌عنوان متغیرهایی که بر تفسیر نقش‌ها، تعهد و سازگاری تأثیر می‌گذارند، در بسیاری از پژوهش‌ها رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی نشان داده‌اند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف یک مطالعه کاربردی و به لحاظ رویکرد و روش گردآوری داده یک مطالعه کمی و به لحاظ زمانی نیز یک مطالعه مقطعی است. با توجه به مسئله تحقیق، جامعه آماری پژوهش، زنان متأهل ساکن روستای گرماب شهرستان فیروزه در استان خراسان رضوی هستند که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت این روستا برابر ۴۳۱۶ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۵ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری،

نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است؛ بدین ترتیب که ابتدا جامعه مورد مطالعه به چندین لایه مرتبه‌بندی تقسیم شدند و سپس از میان لایه‌های بزرگتر چند لایه به صورت تصادفی انتخاب شد، به طوری که ملاک اصلی برای تعیین افرادی بودند که سابقه ازدواج زودهنگام در سن قبل از ۱۸ سالگی را داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد است. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار Spas 25 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است. برای تعیین اعتبار در این پژوهش از اعتبار صوری استفاده شد و پرسشنامه توسط چندین متخصص از دانشگاه حکیم سبزواری، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی استانداری و سایر کارشناسان مرتبط بررسی و روایی صوری آن تأیید گردید و پرسشنامه با نظر متخصصان مورد ارزیابی قرار گرفت. با انجام پیش‌آزمون با تعداد ۳۰ پرسشنامه به بررسی پایایی پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS پرداختیم. با توجه به مناسب بودن ضریب آلفای کرونباخ، جمع‌آوری داده تا ۲۵۵ پرسشنامه ادامه یافت. نتایج ضرایب آلفای کرونباخ حاکی از مناسب بودن ضرایب آلفا برای متغیرهایی است که با طیف لیکرت سنجیده شده‌اند.

جدول ۱- نتایج آزمون پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	۷	۰.۶۷۳
برابری جنسیتی	۹	۰.۷۰۳
نحوه حل تعارض	۵	۰.۷۴۲
میزان توافق مالی	۴	۰.۷۲۰
جهت‌گیری مذهبی	۵	۰.۸۴۶
میزان دخالت اطرافیان	۶	۰.۷۷۴
کیفیت رابطه زناشویی	۶	۰.۷۳۶
نگرش به اوقات فراغت	۵	۰.۷۹۴
میزان رضایت زناشویی	۱۵	۰.۷۰۲
متغیر وابسته		

۳. ۱. تعریف عملیاتی متغیرها

میزان رضایت زناشویی: منظور رضایت کلی زنان از ازدواج و زندگی مشترک است که برای عملیاتی کردن آن از ۱۵ سؤال در قالب طیف لیکرت استفاده گردید که برگرفته از پرسشنامه‌های استاندارد است. مضامین این پرسش‌ها عبارتند از: مسئولیت‌پذیری، میزان اعتماد در زندگی مشترک، رضایت از نحوه رفتار، توجه به نظرات همسر در تصمیم‌گیری‌ها، تکیه‌گاه بودن همسر، کسالت‌آور بودن زندگی، رابطه صمیمانه زوجین، وجود آرامش در زندگی مشترک، در اولویت بودن همسر، رضایت بخش بودن ارتباط با دوستان و اقوام، رضایت از وضعیت اقتصادی، نحوه گذران اوقات فراغت، نوع احساس نسبت به انجام واجبات دینی، شیوه حل اختلاف‌نظرها، رضایت از ابراز عشق و محبت.

در رابطه با متغیرهای مستقل، متغیر رسانه‌های گروهی دارای گویه‌هایی شامل: میزان استفاده از واتساپ، تلگرام، اینستاگرام، تلویزیون، ماهواره و کتاب‌ها است که در پژوهش حاضر لحاظ شده است. متغیر اعتماد اجتماعی دارای گویه‌هایی شامل اعتماد به: دوستان، همسر، خانواده فرد، خانواده همسر، همسایگان و عموم مردم است.

متغیر برابری جنسیتی با دو بعد سنجیده می‌شود: الف) تقسیم کار جنسیتی: که بیانگر میزان تقسیم کارها و وظایف بین زوجین در خانواده است. این بعد بیانگر وجه عینی برابری جنسیتی است. برای عملیاتی کردن این بعد میزان کمک شوهر در نظافت و شست‌وشوی خانه، پخت‌وپز، بچه‌داری و به‌طور کلی کارهای خانه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. ب) نگرش زن به میزان وجود برابری جنسیتی: بیانگر احساس زن در مورد عدم تبعیض جنسیتی و وجود برابری در خانه در رابطه با شوهر است. این بعد بیشتر صبغه‌ای ذهنی دارد (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۸۳). در رابطه با متغیر نحوه حل تعارض از شیوه استبدادی استفاده شده است که دارای دو بعد است: الف) بعد عینی: برای عملیاتی کردن این بعد از انجام پرخاشگری فیزیکی مردان و کوتاه آمدن زنان هنگام اختلافات زناشویی استفاده شده است. ب) بعد ذهنی: بیانگر نگرش زنان به وجود میزان گفت‌وگو در هنگام اختلافات است. برای

عملیاتی کردن این مفهوم از مضامین مقصر شمرده شدن زنان در ایجاد مشکلات، جدی نگرفتن اختلافات توسط شوهران و جروبحث‌های جدی هنگام بروز مسائل بی‌اهمیت استفاده شده است.

برای متغیر میزان توافق مالی از گویه‌هایی با محتوای توافق در خریدهای ضروری، میزان خرج کردن پول، فرد عهده‌دار خرید، میزان استقلال مالی زنان استفاده شد. متغیر جهت‌گیری مذهبی با دو بعد سنجیده شده است: الف) بعد عینی: که بیانگر انجام واجبات دینی است و شامل گویه‌هایی با موضوع رفتار براساس آموزه‌های دینی، شرکت در مراسمات مذهبی و تأثیر آموزه‌های مذهبی در نحوه بر خورد با همسر است. ب) بعد ذهنی: بیانگر نگرش زنان در رابطه با آموزه‌های دینی است. برای عملیاتی کردن از احساس آرامش هنگام عبادت و احساس صمیمیت بین زوجین به دلیل نزدیکی اعتقادات مذهبی استفاده شده است.

متغیر میزان دخالت اطرافیان دارای دو بعد است: الف) تأثیر خانواده: بیانگر نقش خانواده‌ها در ایجاد مشکلات زوجین است. برای عملیاتی کردن آن از ایجاد مشکلات توسط والدین، انتظار توجه زیاد، رفت‌وآمد با اقوام همسر و حرف‌شنوی بیش از حد همسر از خانواده‌اش استفاده شده است. ب) تأثیر دوستان: بیانگر نقش دوستان در ایجاد مشکلات زوجین است که شامل وقت‌گذرانی بیش از اندازه با دوستان و تأثیر منفی دوستان در روابط زوجین است.

متغیر کیفیت رابطه زناشویی دارای گویه‌ها و ابعادی شامل میزان رضایت از رابطه جنسی، میزان محبت به همسر، گفتگو کردن درباره مسائل جنسی، تصمیم‌گیری درباره تعداد فرزندان، تلاش کردن برای بهبود رابطه جنسی و کافی بودن از نظر جنسی برای همسر است. متغیر نگرش به اوقات فراغت دارای گویه‌ها و ابعادی شامل برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، گذراندن اوقات فراغت با همسر، مسافرت رفتن، رضایت از مکان و نحوه گذراندن اوقات فراغت است.

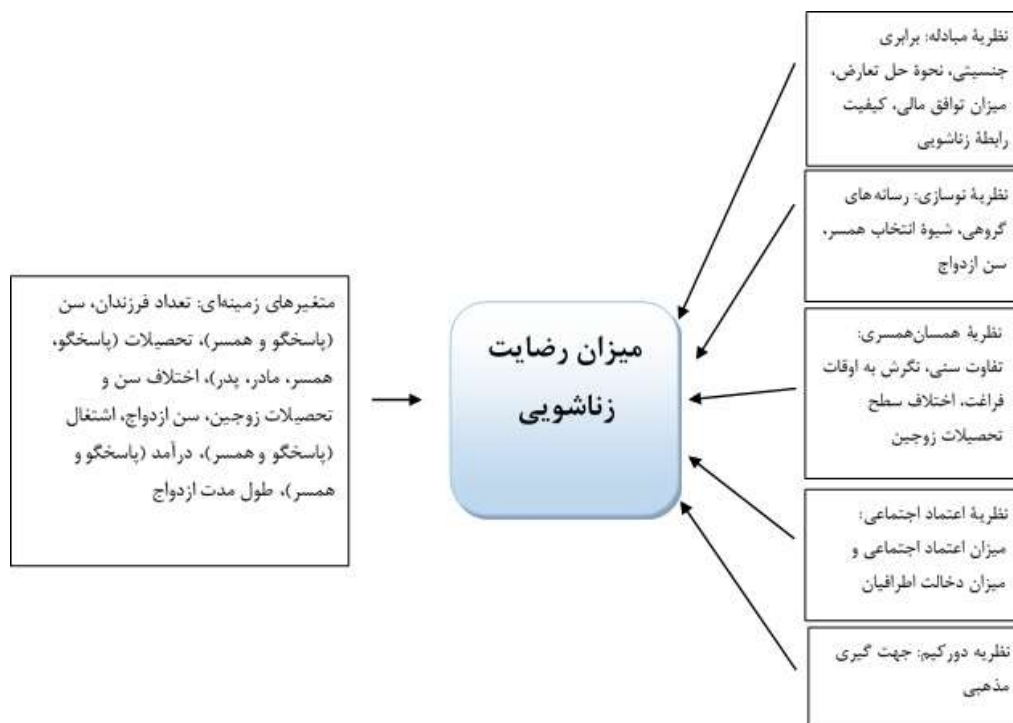
۲.۳. متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش رضایت زناشویی است. این متغیر می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای فراوانی قرار گیرد. از جمله متغیرهای که پژوهش حاضر قصد بررسی میزان رابطه آنها را با متغیر وابسته دارد شامل: میزان استفاده از رسانه‌های گروهی، شیوه انتخاب همسر، سن ازدواج از مکتب‌نوسازی، متغیرهای جهت‌گیری دینی از نظریه دورکیم، متغیرهای تفاوت سنی، نگرش به اوقات فراغت، اختلاف سطح تحصیلات زوجین از نظریه همسان‌همسری و متغیرهای برابری جنسیتی، نحوه حل تعارض، میزان توافق مالی، کیفیت رابطه زناشویی از نظریه مبادله و متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی و میزان دخالت اطرافیان از نظریه اعتماد اجتماعی اشاره کرد. علاوه بر متغیرهای مستقل و اصلی پژوهش، متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، تحصیلات و درآمد نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

۳.۳. فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین شیوه انتخاب همسر و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین میزان برابری جنسیتی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین شیوه حل تعارض و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین میزان توافق در مسائل مالی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین جهت‌گیری مذهبی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین دخالت اطرافیان و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین کیفیت رابطه زناشویی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به اوقات فراغت و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین فاصله سنی و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین اختلاف سطح تحصیلات زوجین و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

- بین سن ازدواج و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین طول مدت ادواج و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای ازجمله سن، تحصیلات، درآمد و میزان رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.



شکل ۱- مدل تجربی پژوهش

۴. یافته‌های پژوهش

براساس نتایج به‌دست‌آمده ۴۹.۲ درصد از پاسخگویان فاقد فرزند و ۵۰.۱ درصد بین ۱ تا ۵ فرزند داشته‌اند. ۴۵.۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی زیر ۱۴ تا ۱۸ سال و ۵۴.۲ درصد از پاسخگویان

در گروه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال بوده‌اند. ۵۳.۱ درصد از همسران پاسخگویان در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و ۴۶.۹ درصد بین ۳۰ تا ۵۰ سال قرار داشته‌اند. بیشترین تفاوت سنی بین ۷ تا ۹ سال است که شامل ۳۴.۶ درصد از افراد نمونه است. بیشترین فراوانی سن ازدواج با ۱۹.۶ درصد مربوط به ۱۴ سالگی است. بیشترین طول مدت ازدواج بین ۴ تا ۱ سال معادل ۳۵.۴ درصد از نمونه است. بیشترین فراوانی میزان تحصیلات پاسخگویان با ۶۳.۸ درصد مربوط به مقطع متوسطه است و بیشترین فراوانی اختلاف سطح تحصیلات زوجین مربوط به ۱ تا ۳ کلاس یعنی ۱۳۱ نفر معادل ۵۰.۴ درصد است. همچنین ۵۲.۷ درصد پاسخگویان خانه‌دار و ۴۳.۸ درصد محصل بوده‌اند. در میان نمونه ۹۸.۱ درصد پاسخگویان درآمدی نداشته‌اند و ۸۲.۳ درصد از همسران پاسخگویان، شاغل بوده و بیشترین فراوانی میزان درآمد آنها با ۲۶.۹ درصد مربوط به چهار تا پنج و نیم میلیون است. ۵۷.۳ درصد پاسخگویان از بین شیوه‌های انتخاب همسر، توصیه پدر و مادر را انتخاب کرده‌اند. در تمام رسانه‌های گروهی به جز تلویزیون بیشترین درصد مربوط به کسانی است که اصلاً استفاده‌ای از رسانه‌های مذکور ندارند و در گروه تلویزیون بیشترین درصد مربوط به کمتر از دو ساعت در روز است.

۴.۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲ کمترین و بیشترین مقدار، میانگین، واریانس، انحراف معیار برای متغیرهای مستقل محاسبه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیر وابسته

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیرها	میانگین	کمترین	بیشترین	میان	انحراف معیار	واریانس
رضایت زناشویی	۴۵.۸۸	۲۵.۰۰	۶۱.۰۰	۴۷.۰۰	۷.۶۳	۵۸.۳۵

۴.۲. آمار استنباطی

جدول ۳ نتایج میانگین نمره رضایت زناشویی براساس متغیرهای مستقل وضعیت اشتغال پاسخگو و وضعیت اشتغال همسر را نشان می‌دهد. میزان رضایت زناشویی براساس متغیر مستقل وضعیت اشتغال،

معنادار است؛ به طوری که میانگین رضایت زناشویی شاغلین از غیرشاغلین بالاتر است. این رابطه براساس وضعیت اشتغال همسر، معنادار نیست.

جدول ۳. میانگین نمره رضایت زناشویی براساس بعضی متغیرهای وضعیت اشتغال و اشتغال همسر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار میانگین	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
	اشتغال	خانه دار	۴۴.۷۲	۷.۸۵	۰.۶۷	-۳۲.۳	۲۴۹	۰.۰۲۰
		محصل	۴۶.۹۵	۷.۲۷	۰.۶۸			
	اشتغال همسر	شاغل	۴۶.۱۲	۷.۵۳	۰.۵۱	۱.۳۷	۲۵۱	۰.۱۶۹
		بیکار	۴۴.۳۰	۷.۷۷	۱.۲۴			

جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس میزان رضایت زناشویی را براساس متغیر شیوه انتخاب همسر نشان می‌دهد. چنانکه می‌بینیم تفاوت معناداری بین نمره رضایت زناشویی براساس شیوه انتخاب همسر وجود دارد. برای اینکه مشخص شود این تفاوت معنادار بین کدام طبقات است، از آزمون تعقیبی استفاده گردید. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که براساس سطح معناداری نمره رضایت زناشویی بین شیوه موسوم به انتخاب دلخواهی با شیوه‌های توصیه پدر و مادر و شیوه تحمیلی و اجباری بودن تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین انتخاب دلخواهی و توصیه خویشاوندان تفاوت معناداری وجود ندارد.

بین شیوه موسوم به توصیه پدر و مادر با شیوه‌های تحمیلی و اجباری بودن و انتخاب دلخواهی تفاوت معناداری وجود دارد، ولی بین شیوه توصیه پدر و مادر با توصیه دوستان و خویشاوندان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین شیوه موسوم به توصیه خویشاوندان و دوستان با شیوه‌های تحمیلی و اجباری بودن و انتخاب دلخواهی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس رضایت زناشویی براساس متغیر شیوه انتخاب همسر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیر	طبقات	سطح معناداری	خطای معیار	میانگین	F	Sig
شیوه انتخاب همسر	انتخاب دلخواهی	توصیه پدر و مادر	۰.۰۱۸	۱.۰۰	۹.۳۳	۰.۰۰
	توصیه خویشاوندان و دوستان	۰.۴۵۲	۱.۹۴	۴۸.۳۵		
	تحمیلی و اجباری بودن	۰.۰۰۰	۲.۲۵			
	توصیه پدر و مادر	انتخاب دلخواهی	۰.۰۱۸	۱.۰۰		
	توصیه خویشاوندان و دوستان	۱.۰۰۰	۱.۸۶	۴۵.۳۴		
	تحمیلی و اجباری بودن	۰.۰۰۱	۲.۱۸			
	توصیه خویشاوندان و دوستان	انتخاب دلخواهی	۰.۴۵۲	۱.۹۴		
	توصیه پدر و مادر	۱.۰۰۰	۱.۸۶	۴۴.۸۸		
	تحمیلی و اجباری بودن	۰.۰۳۰	۲.۷۵			
	تحمیلی و اجباری بودن	انتخاب دلخواهی	۰.۰۰۰	۲.۲۵		
	توصیه پدر و مادر	۰.۰۰۱	۲.۱۸	۳۷.۰۳		
	توصیه خویشاوندان و دوستان	۰.۰۳۰	۲.۷۵			

براساس جدول ۵ متغیرهای مستقل سن همسر، تفاوت سنی، طول مدت ازدواج، اختلاف سطح تحصیلات زوجین، شیوه حل تعارض و دخالت اطرافیان، با متغیر وابسته رابطه معنادار و معکوس دارند؛ یعنی با افزایش آنها، رضایت زناشویی کاهش پیدا می‌کند. همچنین بین متغیرهای مستقل سن ازدواج، تحصیلات، تحصیلات همسر، تحصیلات مادر، اعتماد اجتماعی، برابری جنسیتی، عدم توافق مالی، جهتگیری مذهبی، رابطه زناشویی، اوقات فراغت با متغیر رضایت زناشویی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش آنها، رضایت زناشویی افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۵. ضرایب همبستگی پرسون بین متغیرهای مستقل و میزان رضایت زناشویی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

وابسته	مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رضایت زناشویی	سن	-۰.۰۸۲	۰.۱۸۸	درآمد همسر	۰.۰۲۵	۰.۶۸۳
	سن همسر	-۰.۱۴۹	۰.۰۱۶	رسانه های گروهی	۰.۰۰۶	۰.۹۲۳
	تفاوت سنی	-۰.۱۲۹	۰.۰۳۸	اعتماد اجتماعی	۰.۴۶۷	۰.۰۰۰
	تعداد فرزندان	-۰.۱۱۱	۰.۰۷۴	برابری جنسیتی	۰.۶۴۱	۰.۰۰۰
	سن ازدواج	۰.۲۱۶	۰.۰۰۰	شیوه حل تعارض	-۰.۴۲۱	۰.۰۰۰
	تحصیلات	۰.۱۶۴	۰.۰۰۸	عدم توافق مالی	-۰.۴۴۱	۰.۰۰۰
	تحصیلات همسر	۰.۲۳۷	۰.۰۰۰	جهت گیری مذهبی	۰.۵۴۹	۰.۰۰۰
	فاصله سطح تحصیلات	-۰.۱۵۷	۰.۰۱۱	دخالت اطرافیان	-۰.۲۷۳	۰.۰۰۰
	تحصیلات پدر	۰.۰۳۲	۰.۶۰۷	کیفیت رابطه جنسی	۰.۷۷۰	۰.۰۰۰
	تحصیلات مادر	۰.۱۲۳	۰.۰۴۷	نگرش به اوقات فراغت	۰.۷۵۰	۰.۰۰۰
	درآمد	-۰.۰۲۸	۰.۶۵۳	طول مدت ازدواج	-۰.۱۴۹	۰.۰۱۶

جدول شماره ۶، نتایج آزمون رگرسیون چندگانه را به روش توأمان نشان می‌دهد. نتایج این تحلیل شامل ۴ مدل است که عبارتند از: مدل اول شامل متغیرهای زمینه‌ای که عبارتند از: سن ازدواج، تفاوت سنی، تحصیلات، تحصیلات همسر، تحصیلات مادر، اختلاف سطح تحصیلات زوجین؛ مدل دوم علاوه بر متغیرهای مدل اول، متغیر جهت‌گیری مذهبی اضافه شد؛ در مدل سوم متغیرهای عدم توافق مالی، میزان برابری جنسیتی و اوقات فراغت افزوده گردید و نهایتاً در مدل چهارم علاوه بر متغیرهای مدل سوم، کیفیت رابطه زناشویی افزوده شد که در ذیل نتایج نهایی مدل چهارم ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج ضرایب رگرسیونی مدل نهایی و ضریب تعیین مدل‌های رگرسیون چندگانه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای استاندارد	بتا	ضریب T
سن همسر	۰.۲۴۴	۰.۴۹۶	۰.۰۲۴	۰.۴۹۳
سن تاهل	-۰.۱۷	۰.۲۰۴	-۰.۰۰۵	-۰.۰۸۵
تفاوت سنی	-۰.۰۲۲	۰.۱۴۰	-۰.۰۰۹	-۰.۱۵۹
تحصیلات	۰.۲۲۱	۰.۱۴۸	۰.۰۸۳	۱.۴۹۷
تحصیلات همسر	۰.۰۲۹	۰.۱۳۷	۰.۰۱۲	۰.۲۱۴
اختلاف تحصیلات زوجین	-۰.۱۳۳	۰.۱۷۸	-۰.۰۳۹	-۰.۷۴۶
تحصیلات مادر	۰.۰۷۷	۰.۱۳۲	۰.۰۳۱	۰.۵۸۲
وضعیت اشتغال	۰.۷۲۲	۰.۵۰۹	۰.۰۷۴	۱.۴۱۸
شیوه انتخاب همسر	۰.۳۰۷	۰.۵۹۲	۰.۰۲۵	۰.۵۱۹
برابری جنسیتی	۰.۲۰۸	۰.۰۸۰	۰.۱۶۴	۲.۵۹۴
عدم توافق مالی	-۰.۲۴۰	۰.۱۱۶	-۰.۱۰۸	-۲.۰۶۵
جهت گیری مذهبی	۰.۲۹۴	۰.۰۹۶	۰.۱۸۸	۳.۰۷۷
رابطه زناشویی	۰.۵۹۷	۰.۱۱۶	۰.۳۴۲	۵.۱۲۶
اوقات فراغت	۰.۵۰۵	۰.۱۲۵	۰.۲۷۳	۴.۰۲۸
	F	sig	ضریب تعیین	
مدل ۱	۱۶.۲۵	۰.۰۰	۰.۱۶۰	
مدل ۲	۴۱.۷۷	۰.۰۰	۰.۳۹۶	
مدل ۳	۵۳.۳۲	۰.۰۰	۰.۶۵۶	
مدل ۴	۵۷.۱۷	۰.۰۰	۰.۷۱۲	

مقدار ضریب تعیین (R^2) به دست آمده برای متغیرها مطابق جدول ۶ است. در مدل اول ۱۴.۹ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی ۱ تبیین می‌شود و به ترتیب ۴۰.۷ درصد،

۶۶.۵ درصد و ۷۱.۹ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی ۲، ۳، ۴ تبیین می‌شود.

براین اساس ضریب خطا (e^2) نیز برای مدل ۴ برابر ۲۸.۱ درصد است؛ به این معنی که ۲۸.۱ درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین نشده است. در تمام مدل‌ها سطح معناداری آن‌ها برابر ۰.۰۰ است که کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین ضرایب رگرسیونی آن‌ها نیز معنادار است.

ضرایب Beta نشان می‌دهد که متغیر رابطه زناشویی با ضریب بتا ۰.۳۳۹ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. پس از آن به ترتیب متغیرهای نحوه گذران اوقات فراغت با ضریب بتا ۰.۲۵۹، میزان جهت‌گیری مذهبی با ضریب بتا ۰.۱۹۹ و میزان برابری جنسیتی با ضریب بتای ۰.۱۸۲- بر متغیر وابسته اثرگذار است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف کلی تحقیق حاضر این است که میزان رضایت زناشویی زنان روستای گرماب و برخی عوامل مؤثر از جمله میزان استفاده از رسانه‌های گروهی، میزان اعتماد اجتماعی، برابری جنسیتی، شیوه حل تعارض، میزان توافق مالی، جهت‌گیری مذهبی، دخالت اطرافیان، کیفیت رابطه زناشویی و نحوه گذران اوقات فراغت را مورد مطالعه قرار دهد. جامعه آماری پژوهش، همه زنان متأهل روستای گرماب هستند که زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۵ نفر برآورد شد و برای نمونه‌گیری هم از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. میانگین میزان رضایت زناشویی در بین زنان روستای گرماب ۴۵.۸۸ و بالاتر از حد وسط است. بالا بودن میزان رضایت زناشویی با تحقیق خضری و سیاه‌پوش (۱۳۹۳) در شهر ایزه هم‌خوانی دارد، ولی با تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۷) در تهران هم‌خوانی ندارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین متغیرهای مستقل سن همسر، فاصله سنی، طول مدت ازدواج، اختلاف سطح تحصیلات زوجین، شیوه حل تعارض به روش استبدادی، عدم توافق مالی و دخالت اطرافیان، با متغیر وابسته رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش آنها، رضایت زناشویی کاهش پیدا می‌کند. همچنین بین متغیرهای مستقل سن ازدواج، میزان تحصیلات، میزان تحصیلات همسر، میزان تحصیلات مادر، اعتماد اجتماعی، برابری جنسیتی، جهت‌گیری مذهبی، کیفیت رابطه زناشویی و نحوه گذران اوقات فراغت، با متغیر رضایت زناشویی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش آنها، رضایت زناشویی افزایش پیدا می‌کند.

ارتباط معنادار و معکوس بین متغیر رضایت زناشویی و فاصله سنی زوجین با نتایج تحقیقات بهاری (۱۳۸۶) و پژوهش آزادیان و فتحی (۱۳۹۶) در شهر تهران هم‌خوانی دارد و با نتیجه تحقیق بنی‌فاطمه و تیمورلویی (۱۳۸۸) که در شهر آذرشهر انجام شده است، هم‌خوانی ندارد. این یافته مطابق با نظریه همسان همسری است که بنا بر آن، هر چه میزان شکاف زوجین کمتر باشد، میزان صمیمیت افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه فاصله سنی ۵۹.۲ درصد پاسخگویان بین ۷ تا ۱۲ سال است، این شکاف می‌تواند در بین زوجین هر چند که کاملاً دوران‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند و از نظر مراحل رشد متفاوت هستند، رضایت زناشویی را کاهش دهد.

ارتباط معنادار و مستقیم بین میزان رضایت زناشویی و اعتماد اجتماعی با نتیجه تحقیق رفیعی اصل (۱۳۸۹) در شهر مرند و اسماعیلیان‌اردستانی و قلی‌زاده (۱۳۹۳) مطابقت دارد. گیدنز نیز معتقد است که وجود اعتماد متقابل در روابط ناب موجب افزایش صمیمیت می‌شود.

ارتباط معنادار و مستقیم بین میزان رضایت زناشویی و جهت‌گیری مذهبی با نتایج پژوهش‌های ترقی‌جاه و همکاران (۱۳۹۵) در شهر تبریز، یزدانی و علمی (۱۳۹۲) در شهر مرند، بنی‌فاطمه و تیمورلویی (۱۳۸۸) در شهر آذرشهر، خان‌محمدی و پرتوی (۱۳۹۶) در شهر میاندوآب و لمبرت و دولاخت (۲۰۰۶) در بین ساکنان انگلیس و کالیفرنیا شمالی انجام داده‌اند، هم‌خوانی دارد و مؤید

نظریه دورکیم است که براساس آن دین یک نظام متشکل از عقاید و کارکردهایی از جمله انضباط بخشی و ایجاد احساس خوشبختی در افراد است.

ارتباط معنادار و مستقیم بین میزان رضایت زناشویی و تحصیلات مادر با نظریه نوسازی هم‌خوانی دارد؛ زیرا هر اندازه سطح تحصیلات مادران افزایش یابد با روش‌های بهتر و علمی‌تر می‌توانند مهارت‌های زندگی مشترک را به دخترانشان آموزش می‌دهند که این امر می‌تواند مستقیماً بر رضایت زناشویی تأثیرگذار باشد.

ارتباط معنادار و معکوس بین میزان رضایت زناشویی و اختلاف سطح تحصیلات زوجین، با توجه به نظریه همسان همسری قابل تبیین است که براساس این نظریه هر اندازه دستاوردهای افراد بیشتر شبیه به هم باشد، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد، به‌ویژه این نکته در مناطق روستایی برجسته است؛ چراکه وقتی افراد برای تحصیلات بالاتر وارد شهرها و دانشگاه‌ها می‌شوند و جهان‌بینی آنها تغییر می‌کند. این شکاف در سطح تحصیلات زوجین می‌تواند میزان درک متقابل زوجین را کاهش داده و باعث بروز نارضایتی در زندگی مشترک شود.

ارتباط معنادار و مستقیم میزان رضایت زناشویی زنان و سن ازدواج با نتایج آزادیان و فتحی (۱۳۹۶) که در شهر تهران انجام داده‌اند، هم‌خوانی دارد. با توجه به نظریه نوسازی هرچقدر سن دختران افزایش یابد، چون با شناخت و آگاهی بیشتری از زندگی مشترک، ازدواج می‌کنند میزان رضایت افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که دختران در سنین پایین شناخت درستی از زندگی مشترک و مسئولیت آن ندارند و همین امر باعث نارضایتی می‌شود.

عدم ارتباط معنادار بین متغیر میزان رضایت زناشویی و تعداد فرزندان با نتایج تحقیقات خضری و سیاهپوش (۱۳۹۳) در شهر ایزده، خان‌محمدی و پرتوی (۱۳۹۶) در شهر میاندوآب و تحقیق گوا و هوانگ (۲۰۰۵) در بین خانواده‌های چینی، هم‌خوانی ندارد. با مراجعه به داده‌ها مشخص می‌شود

۴۹.۲ درصد پاسخگویان فرزندى ندارند و تنها ۲۰ درصد پاسخگویان بیش‌تر از دو فرزند دارند، و این نمی‌تواند نتایج چندان معتبرى را برای ما حاصل کند.

ارتباط معنادار و معکوس بین میزان رضایت زناشویی و طول مدت ازدواج با نتایج تحقیقات جمالویی و همکاران (۱۳۹۱) در نجف‌آباد و فولادشهر، صفیاری جعفرآباد و زارع (۱۳۹۴) در شهر تهران، بنی فاطمه و تیمورلویی (۱۳۸۸) در شهر آذرشهر و زاینه و همکاران (۲۰۱۲) در مالزی هم‌خوانی دارد. با توجه به اینکه در ابتدای ازدواج مسئولیت‌های زندگی کمتر بوده، میزان رضایت دختران بیشتر است، اما هرچقدر به طول مدت ازدواج افزوده می‌شود دختران همچنان در سنین کم با مسئولیت‌های سنگینی روبه‌رو می‌شوند که این امر می‌تواند میزان رضایت زناشویی را کاهش دهد.

ارتباط معنادار و مستقیم بین میزان رضایت زناشویی و میزان تحصیلات با نتیجه تحقیقات آزادیان و فتحی (۱۳۹۶) در شهر تهران، اسماعیل‌پور (۱۳۹۲) در شهر تبریز، جمالویی و همکاران (۱۳۹۱) در نجف‌آباد و فولادشهر، بنی فاطمه و تیمورلویی (۱۳۸۸) در آذرشهر و خان‌محمدی و پرتوی (۱۳۹۶) در شهر میاندوآب هم‌خوانی دارد. مطابق نظریه نوسازی هر چقدر زمان می‌گذرد و فرایند نوسازی پیش می‌رود، میزان سطح تحصیلات زنان هم افزایش می‌یابد که در این صورت افراد از مهارت‌های زندگی آگاه‌تر شده و راحت‌تر می‌توانند مشکلات زناشویی را رفع کنند.

ارتباط معنادار و مستقیم بین میزان رضایت زناشویی و میزان برابری جنسیتی با نتیجه تحقیقات اقدامی و حسین‌چاری (۱۳۸۷) در شیراز، بهمنی و همکاران (۱۳۹۰) در شهر بندرعباس، اسماعیلیان اردستانی و قلی‌زاده (۱۳۹۳) در اصفهان و ویسفلد (۱۹۹۲) هم‌خوانی دارد. براساس نظریه مبادله چنانچه زوجین احساس کنند میزان هزینه‌هایی که در زندگی مشترک صرف می‌کنند بسیار بیش‌تر از پاداش‌هایی است که دریافت می‌کنند، ممکن است دچار احساس بی‌عدالتی شده و میزان رضایت زناشویی آنها کاهش یابد.

ارتباط معنادار و معکوس بین حل تعارض به روش استبدادی و رضایت زناشویی با نظریه مبادله هم‌خوانی دارد. مطابق نظریه مبادله هنگامی که نیازها و انتظارات فرد در رابطه مرتفع شود، احتمال

پذیرش بیشتر همسر و ازدواج و رضایتمندی حاصل از آن بالاتر می‌رود. با توجه به اینکه در حل تعارض به روش استبدادی حتی امکان مطرح کردن و شناخت مشکلات زوجین وجود ندارد، این مشکلات حل نشده باقی می‌مانند و عدم رفع نیازها باعث می‌شود، نارضایتی از زندگی مشترک افزایش می‌یابد.

رابطه معنادار و معکوس بین میزان رضایت زناشویی و عدم توافق مالی با نتیجه تحقیق اسماعیل‌پور (۱۳۹۲) در شهر تبریز هم‌خوانی دارد. در چارچوب نظریه مبادله اگر یکی از زوجین تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده نشود و نظر وی در مسائل مختلف نادیده گرفته شود، احساس بازنده بودن به او دست داده و میزان رضایت از زندگی مشترک کاهش می‌یابد.

نتایج نشان داد که میانگین نمره رضایت زناشویی برحسب شیوه انتخاب همسر معنی‌دار است که با نتایج اهوازی و همکاران (۱۳۹۴) در اهواز، سحابی و همکاران (۱۳۹۲) در سنج و صادقی و همکاران (۱۳۹۷) در شهر تهران هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیق با نظریه نوسازی که معتقد است در جوامع جدید افراد ترجیح می‌دهند خودشان آزادانه شریک زندگیشان را انتخاب کنند، منطبق است. با در نظر گرفتن این نکته که سن پاسخگویان در هنگام ازدواج پایین بوده و ۶۸.۵ درصد پاسخگویان نتوانسته‌اند آزادانه همسرشان را منطبق با معیارهای خود انتخاب کنند، در سال‌های آتی زندگی مشترک، این عدم حق انتخاب برای شریک زندگی می‌تواند میزان رضایت زناشویی زنان را کاهش دهد.

تفاوت میانگین وضعیت اشتغال زنان و رضایت زناشویی معنادار است که با نتیجه تحقیقات بنی‌فاطمه و تیمورلویی (۱۳۸۸) در آذرشهر و صفیاری جعفرآباد و زارع (۱۳۹۴) در تهران هم‌خوانی ندارد و با نتایج اسماعیل‌پور (۱۳۹۲) در تبریز و خضری و سیاه‌پوش (۱۳۹۳) در شهر ایذه هم‌خوانی دارد. شاید با توجه به اینکه محصلین هنوز در سنین زیر ۱۸ سال هستند و زمان زیادی از ازدواجشان

نمی‌گذرد و درواقع با مسئولیت‌های بزرگ زندگی زناشویی آشنایی ندارند، میزان رضایت زناشویی‌شان بیشتر باشد.

تفاوت میانگین وضعیت اشتغال همسر و رضایت زناشویی معنادار نیست. با مراجعه به داده‌ها مشخص شد ۸۲.۳ درصد از همسران پاسخگویان شاغل هستند و تنها ۱۵ درصد فاقد شغل هستند و این نمی‌تواند نتایج چندان معتبری را برای ما حاصل کند.

ارتباط معنادار و مستقیم بین متغیر رضایت زناشویی و تحصیلات همسر با نتیجه تحقیق آزادیان و فتحی (۱۳۹۶) در شهر تهران، هم‌خوانی دارد. مطابق نظریه نوسازی ورود به دوران مدرنیته افزایش سطح تحصیلات را به همراه دارد که باعث می‌شود ارزش‌ها و نظام عقیدتی افراد تغییر کند و این امر در برخورد با همسر و نگاه به جایگاه زن در خانواده تأثیرگذار است و میزان رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.

رابطه مستقیم و معنادار بین میزان رضایت زناشویی و نحوه گذران اوقات فراغت با نتیجه تحقیق یزدانی و علمی (۱۳۹۲) در شهر مرند هم‌خوانی دارد. براساس تئوری مبادله، رضایت افراد از روابط با دیگران بر مبنای محاسبه سود و زیان تعریف می‌شود و آزادی در پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه از جمله مقدار منافی است که فرد از همسرش در رابطه می‌تواند به دست آورد و براین اساس از آن رابطه احساس رضایت یا ناراضایتی کند.

رابطه مستقیم و معنادار بین میزان رضایت زناشویی و کیفیت رابطه زناشویی با نتایج گوا و هوانگ (۲۰۰۵) در بین خانواده‌های چینی هم‌خوانی دارد. براساس نظریه مبادله نیز رابطه زوجین یک نوع مبادله محسوب می‌شود و اگر بتوانند خواسته‌ها و انتظارات خود را در آن مرتفع کنند، احساس رضایت می‌کنند.

نتایج آزمون رگرسیون هم نشان داد که متغیرهای سن ازدواج، تفاوت سنی، تحصیلات، تحصیلات همسر، تحصیلات مادر، اختلاف سطح تحصیلات زوجین، جهت‌گیری مذهبی، میزان توافق مالی، میزان برابری جنسیتی، نگرش به اوقات فراغت، کیفیت رابطه زناشویی وارد مدل شدند و ۷۱.۹

درصد (R^2) را تبیین کردند که ضریب تعیین مناسبی است و متغیرهایی که بیشترین ضریب بتا را دارند شامل: رابطه زناشویی بوده که با توجه به اینکه در آن میزان عشق و علاقه زوجین، رضایت از رابطه زناشویی، تصمیم‌گیری در رابطه با تعداد فرزندان و... سنجیده شده طبیعی به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل تعریف شود. اوقات فراغت حتی بیشتر از برابری جنسیتی در میزان رضایت زناشویی اهمیت دارد. زمانی که افراد از اوقات فراغت رضایت دارند، یعنی اوقات فراغتشان را بیشتر در کنار یکدیگر سپری می‌کنند، این امر می‌تواند در میزان صمیمیت زوجین تأثیر زیادی داشته باشد. همچنین متغیر جهت‌گیری مذهبی می‌تواند با توصیه‌هایی که به زوجین در رابطه با نحوه برخورد همسر و تبلیغ سبک زندگی سالم و... دارد، بر میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار باشد و یکی از مؤلفه‌های ازدواج موفق تعریف شود. میزان برابری جنسیتی نیز با ضریب بتای بالا از عوامل مؤثر بوده که قاعداً هر اندازه افزایش یابد، زنان خود را در یک رابطه عادلانه در نظر می‌گیرند که می‌تواند بر رضایت زناشویی اثرگذار باشد.

با توجه به رابطه معنادار سن ازدواج و میزان رضایت زناشویی می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی والدین را از پیامدهای ازدواج زودهنگام مخصوصاً برای دختران زیر ۱۳ سال مطلع کرد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق که هر اندازه افراد بتوانند شریک مناسب و هم‌سانی برای خود برگزینند، میزان صمیمیت بین زوجین بیشتر می‌شود، می‌توان با استفاده از مشاوره‌های خانه‌های بهداشت روستا افراد را به اهمیت و ضرورت مشاوره‌های پیش از ازدواج آگاه کرد تا بتوانند شریکی همسان خود از نظر سنی، سطح تحصیلات و... انتخاب کنند و هم اینکه چون دختران در سنین پایین از روش‌های تعامل با همسر و خانواده همسر و... آگاهی کافی ندارند می‌توان با جلساتی که مشاوران در محیط مدرسه برگزار می‌کنند، روش‌های حل مسئله را به آن‌ها آموزش داد. با توجه به اینکه متغیر کیفیت رابطه زناشویی از عوامل مهم در میزان رضایت زناشویی است و از سوی دیگر دختران که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، میزان آگاهی کمی در این زمینه دارند، می‌توان با برگزاری کارگاه‌های

آموزشی از طریق آموزش و پرورش و شبکه بهداشت اطلاعات کافی را جهت پیشگیری از بارداری‌های زودهنگام و ... به دختران داد. از آنجا که نحوه گذران اوقات فراغت از متغیرهای مهم در این پژوهش بود که تأثیر زیادی بر رضایت زناشویی دارد و از طرفی میزان فاصله روستا تا شهر نیشابور حدود ۳۵ کیلومتر است، می‌توان با ایجاد فضاها و اماکن تفریحی فضای بیشتری را برای اوقات فراغت خانواده‌ها در داخل روستا فراهم آورد.

کتابنامه

۱. آزادیان، ع؛ و فتحی، س. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایتمندی از زندگی زناشویی زوجین ۳۵-۵۵ سال. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹ (۷۵)، ۱۱۱-۱۳۵.
۲. ایمانی‌زاده، ع؛ و علیپور، س. (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زودهنگام. *زن و فرهنگ (روانشناسی فرهنگی زن)*، ۱ (۳۰)، ۳۱-۴۶.
۳. اعظمی، س؛ الهی‌فر، ع؛ دکانی، م؛ و خسروی، م. (۱۳۸۹). مقایسه رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل با زوجین تک شاغل با توجه به سلامت عمومی آنان. *زن و مطالعات خانواده*، ۱ (۳)، ۲۷-۳۷.
۴. اسماعیل‌پور، خ. (۱۳۹۲). نقش احساس قدرشناسی و آگاهی از درآمد شوهر در رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار. *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ۳۷ (۴)، ۱۱۵-۱۳۴.
۵. ایمان، م؛ یادعلی‌جمالویی، ز؛ و زهری، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی. *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، ۶ (۱۷)، ۱-۳۲.
۶. اقدامی، ز؛ و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۷). تأثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال‌های رفتاری فرزندان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۶ (۱)، ۶۹-۵۳.
۷. بهمنی، م؛ زارعی، ا؛ و فلاح‌چای، ر. (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه عدالت بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱ (۳)، ۳۸۲-۳۹۸.

۸. بنی فاطمه، ح؛ و طاهری تیمورلویی، ط. (۱۳۸۸). تعیین عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با میزان رضایت زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲(۱)، ۲۹-۷.
۹. بهاری، س. (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر بر آن. *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۲(۴)، ۴۸-۲۷.
۱۰. پورمیدانی، س؛ شفتی، ع؛ و نوری، ا. (۱۳۹۳). رابطه سبک زندگی با رضایت زناشویی. *خانواده‌پژوهی*، ۱(۳۹)، ۳۳۱-۳۴۴.
۱۱. ترقی‌جاه، ص؛ بهادری خسروشاهی، ج؛ و خانجانی، ز. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان با ویژگی‌های شخصیتی و دین‌داری آن‌ها. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲)، ۱۲۸-۱۰۷.
۱۲. حسن‌طهرانی، م؛ کاکابرایی، ک؛ و امیری، ح. (۱۴۰۰). تدوین الگوی چهاروجهی مشاوره پیش از ازدواج «آگاه» با نگاه بومی و فرهنگی، و بررسی اثربخشی آن بر آگاهی، پذیرش، مسئولیت‌پذیری و سازگاری زناشویی زوجین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴۶(۱۲)، ۵۱-۲۳.
۱۳. حسین‌پور، م. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش سازگاری زناشویی زنان متأهل ۲۰-۴۰ سال. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۲(۱)، ۱۴۰-۱۲۵.
۱۴. جلیلیان، ز. (۱۳۷۵). *عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۱۵. خان‌محمدی، ف؛ و پرتوی، ل. (۱۳۹۶). بررسی رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبک‌های سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۰(۱)، ۱۲۶-۱۰۹.
۱۶. خدایاری‌فرد، م؛ شهابی، ر؛ و اکبری‌زردخانه، س. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. *خانواده‌پژوهی*، ۳(۱۰)، ۶۲۰-۶۱۱.
۱۷. خضری، خ؛ و ارجمندسیاهپوش، ا. (۱۳۹۳). مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر ایزده. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۲۴(۴)، ۹۷-۱۰۵.
۱۸. دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی. (۱۴۰۰). به نشانی

۱۹. رحیمی، ن، قدرتی، ح؛ و قدرتی، ش. (۱۴۰۲). فهم تجربه زنان از ازدواج‌های زودهنگام: مطالعه‌ای در شهر تیتکانلو. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۸ (۳۵)، ۵۷-۹۵.
۲۰. رجبی، غ؛ عباسی، ق؛ و شمعونی‌اهوازی، ش. (۱۳۹۴). سبک‌های همسرگزینی (سنتی، آزاد و ترکیبی) و رضایت زناشویی در پرستاران. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱ (۱)، ۷۷-۸۸.
۲۱. رفیعی‌اصل، ث. (۱۳۸۹). *تعیین عوامل اجتماعی- فردی مرتبط با سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۲۲. ریتزر، ج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (م. ثلاثی، ترجمه). تهران: علمی.
۲۳. زنجیری، ن؛ صادقی، ر؛ و محمودیانی، س. (۱۳۹۷). تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در شهر تهران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۱ (۸۱)، ۷-۴۵.
۲۴. صفیاری‌جعفرآباد، ه؛ و زارع، ب. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳ (۱)، ۱۱۱-۱۳۰.
۲۵. سامانی‌نژاد، م؛ و گنجی، م. (۱۳۹۰). فرهنگ مشارکت و رضایت زناشویی در بین زنان. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۶)، ۱۷۵-۲۰۵.
۲۶. ساروخانی، ب. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
۲۷. سحابی، ج؛ خانی، ا؛ و خانی، س. (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان. *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۴ (۱۲)، ۷۷-۱۱۲.
۲۸. سفیری، خ؛ و میرزامحمودی، م. (۱۳۸۵). اعتماد به همسر: مطالعه موردی، زنان شهر تهران. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱ (۱)، ۱۵۷-۱۲۵.
۲۹. سلیمانی، ع؛ فتحی‌آشتیانی، ع؛ و میرزایی، ح. (۱۳۹۶). مقایسه رضایت زناشویی در زنان با توجه به روابط قبل از ازدواج. *خانواده‌پژوهی*، ۱۳ (۵۱)، ۳۶۱-۳۷۴.
۳۰. شجاعی‌زند، ع.ر. (۱۳۸۰). *دین، جامعه و عرفی شدن*. جستارهایی در جامعه‌شناسی دین. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

۳۱. شجاعی، ف؛ جزایری، ر؛ احمدی، ا؛ و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۸). بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان تفاوت سطح تحصیلی در زوجین. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰(۳۸)، ۱۳۴-۱۱۱.
۳۲. شهریوی، ش؛ کاظمیان‌مقدم، ک؛ خلفی، ع؛ و مهرابی‌زاده‌هنرمند، م. (۱۴۰۲). ارتباط صمیمیت زناشویی و رضایت از زندگی با میانجی‌گری عشق، سازگاری زوجی و رضایت زناشویی در کارکنان. دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۳۰(۲)، ۵۸-۳۷.
۳۳. شهریاری، م؛ و باقری، م. (۱۴۰۲). تجربه زیسته کودک - زنان ازدواج کرده در حوزه هنجارهای اجتماعی و ازدواج زودهنگام. مطالعات زن و خانواده، ۱۱(۲)، ۱۵۷-۱۲۴.
۳۴. فرحبخش، ک؛ کلاترکوشه، م؛ و جواهری‌محمدی، م. (۱۳۹۴). مقایسه رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی در شهر تهران. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۲)، ۱۴۲-۱۲۳.
۳۵. قدرتی، ح؛ بوستانی، د؛ قدرتی، ا؛ و کلالی، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله شهر سبزوار. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۱(۳)، ۹۱-۷۵.
۳۶. قلی‌زاده، آ؛ و اسماعیلیان‌اردستانی، ز. (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۵(۵۶)، ۴۶-۳۷.
۳۷. کنعانی، م. (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱(۱)، ۱۲۶-۱۰۴.
۳۸. گیدنز، ب؛ و آنتونی، ک. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی. (ح. چاوشیان، ترجمه). تهران: نشر نی.
۳۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۷). تجلد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. (ن. موفقیان، ترجمه). تهران: نشر نی.
۴۰. مجدی، ع.ا؛ کرمانی، م؛ برادران‌کاشانی، ز؛ و خدمتی‌بقمچ، ف. (۱۴۰۲). تجربه زیسته زنان از پدیده ازدواج زودهنگام: یک بررسی کیفی. خانواده‌پژوهشی، ۹(۷۴)، ۲۱۵-۱۹۷.

۴۱. منادی، م. (۱۳۸۳). تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، ۲(۱)، ۵-۲۱.
۴۲. مهدوی، ص؛ و نسیمی، م. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی رضایت زنان از مناسبات زناشویی. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی آزاد گرمسار*، ۲(۳)، ۵-۲۶.
۴۳. یزدانی، ک؛ و علمی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرند. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳(۳)، ۵۷-۷۵.
44. Zainah, A.Z., Nasir, S.H., & Ruzy, M. Y. (2012). Effects of demographic variables on marital satisfaction. *Asian Social Science, Bangi, Malayasia*, 8(9), 46-49.
45. Wendorf, C.A., Lucas, T., Imamoglu, E.O., Weisfeld, C.C., & Weisfeld, G. E. (2011). Satisfaction across three cultures: Dose the number of children have an impact after accounting for other marital demographics? *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42(3), 340-354.
46. Lambert, N., & Dollahite, D. (2006). "How Religiosity helps couples prevent, Resolve, and overcome marital conflict". *Family Relations*, 55(4), 439-449.
47. Guo, B., & Huang, J. (2005). Marital and sexual satisfaction in Chinese families: Exploring the moderating effects. *Journal of sex and Marital Therapy*, 31(1), 21-29.
48. Rosen Grandon, J. R., Mayers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction prosses and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development*, 82(1), 58-68.
49. Vaijayanthimala, K. B., & Bharati, P. (2004). Socio-Economic heterogomy and marital satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15(1), 9-11.
50. Weisfeld, G. E., Russel, R.H., Weisfeld, C.C., & Wells, P. A. (1992). Correlates of satisfaction in British marriage. *Ethology and Sociobiology*, 13(2), 125-145.
51. Madaniana, L., & Shafeq, S. M. (2013). Marital satisfaction and demographic traits in an emigrant sample: Rasch Analysis. *Social and Behavioral Sciences*, 107, 96-103.